

بررسی انقلاب تونس (۲۰۱۱) در چارچوب جهانی شدن حقوق بشر

رضا دهبانی پور^۱

علی مختاری^۲

چکیده

مردم تونس در سال ۲۰۱۱ بعد از دهه‌ها سکوت و گاهی انفعال به یک‌باره دست به انقلاب زدند، انقلابی که گستره آن خیلی زود دامن بسیاری از کشورهای عربی را فراگرفت و در معادلات سیاسی و امنیتی خاورمیانه تأثیرات زیادی از خود بر جای گذاشت. درباره چرائی این انقلاب که کمتر کسی یا شاید هیچ‌کس وقوعش را نشانی ندیده و نداده بود، پژوهش‌های زیادی انجام گرفته که عمدتاً از زوایای مختلفی چون نارضایتی اقتصادی، فساد سیاسی، بحران‌های سیاسی و... مسئله را مورد بررسی قرار دادند. با این اوصاف، پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا این رویداد را با نگاه فراگیر «گفتمان جهانی حقوق بشر» موردسنجش قرار دهد تا روشن نماید که گفتمان جهانی حقوق بشر چه نسبتی با انقلاب تونس داشته است؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که جهانی شدن در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژیک و فرهنگی درک و فضایی گفتمانی از حقوق بشر در تونس پیش از انقلاب شکل داد، این در حالی بود که دولت با طرد این تغییرات از پذیرش حقوق سیاسی - مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه خودداری ورزیده تا جامعه در چارچوب گفتمان حاکم (حقوق بشر) برای دستیابی به حقوق و آرمان‌هایی چون آزادی، عدالت، کرامت و برابری علیه رژیم سیاسی حاکم ائتلاف کند و نظام سیاسی را برکنار نماید.

واژگان کلیدی: گفتمان، حقوق بشر، انقلاب، جهانی شدن، تونس.

^۱ استادیار دانشگاه یاسوج، گروه علوم سیاسی، نویسنده مسئول: rezadehbanipoor_20@yahoo.com

^۲ استادیار دانشگاه یاسوج، گروه علوم سیاسی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۲۷

Studying the 2011 Tunisian Revolution in Framework of Human Rights Globalization

Reza Dehbaniupour¹

Assistant Professor of Yasouj University,
Department of Political Science, Iran

Ali Mokhtari

Assistant Professor of Political Science, Yasouj
University, Iran

Abstract

After decades of silence, Tunisian revolted against dictatorship in 2011. Their revolution inspired the Arab world. The present study analyzes why this event with comprehensive look evaluates the word forum on human rights of the revolution”, in other word, the main issue is what effect and roll has been “The world forum human rights” on Tunisia revolution? This research tends to globalize in the zone of human rights, claims that globalization in different aspects of economic, social, technological, cultural has been created the perception and space discourse of human rights in Tunisia before revolution. While the government reject these changes and refrained from accepting civil and political rights, economic, social and cultural of the society, until the dominant discourse (Human Rights) for getting rights and ideals like freedom Justice, dignity and equality against the political and regime align and overthrow it.

Keywords: Dialogue, Human Rights, Revolution, Globalization, Tunisia.

۱- مقدمه

کشور تونس از زمان استقلال خود در سال ۱۹۵۶ تا انقلاب ۲۰۱۱ تنها دو رئیس‌جمهور را تجربه کرده است. این وضعیت نشانه ماهیت عقب‌مانده نظام سیاسی حاکم بر این کشور است، حاکمیتی که بدون تردید آلوده به شیوه غیر دموکراتیک در کنترل و مدیریت جامعه بوده است. ظلم، اختناق و سرکوبگری حبیب بورقیه، فساد، اقتدارگرایی، ناکارآمدی، بی‌لیاقتی، بی‌عدالتی و انحصارطلبی بن‌علی و خاندان آنها شمه‌ای از مشکلات و گرفتاری‌هایی است که برای جامعه ایجاد کرده بودند مسائلی که بر همگان و به‌ویژه مردم تونس پوشیده نماند، چنان‌که در حافظه تاریخی جامعه تونس انباشته و تلبار شدند تا در فرصت

¹ - Corresponding Author: rezadehbaniupoor_20@yahoo.com

مقتضی شعله‌ور شوند. براین اساس، چرا و چگونه نظم سنتی و مبتنی بر سکون و انفعال در رابطه جامعه و دولت مخدوش و انقلابی شد؟

انقلاب مردم تونس در سال ۲۰۱۱ نشان داد که اگرچه نظام فاسد بن علی برای دهه‌ها آرامش ظاهری بر این کشور حاکم ساخته بود، اما در بطن امر و در زیرپوست این سکوت مرموز، جامعه تونس در اثر روندهای همواره متغیر و روبه پیشرفت جهانی شدن تغییر یافت. این امر بیش از همه ناشی از آگاهی جامعه نسبت به حقوق خود بوده است. به عبارت دیگر، انقلابی که بو عزیزی شعله‌ور ساخت بر زمین بایر سوختن نگرفته بود بلکه در حقیقت جرقه‌ای بود که از یک سو ناشی از نارضایتی انباشته شده آنان از حکومت به سبب ناکارآمدی و بی‌عدالتی بوده و البته آنچه این مشکلات انباشته را شعله‌ور ساخت و به مثابه متغیر مستقل پژوهش عمل کرد آگاهی مردم نسبت به حقوق، ارزش‌ها و اصول آن است وضعیتی گفتمانی که در بستر جهانی شدن جامعه را دربرگرفت و در راستای تحقق حقوق خود در مقابل دولت ایستادگی کرده و نظام سیاسی تونس را تغییر داد. در واقع باور بر این است که گفتمان جهانی حقوق بشر در این کشور نضج پیدا کرد و جامعه نسبت به اصول و ارزش‌های فلسفی و هنجاری حقوقی خود آگاه شدند اما دولت همچنان بر سیاق سابق خویش پافشاری کرده و نتوانست یا نخواست شرایط جدید را درک و اصلاح کند تا با اعتراض و انقلاب جامعه برکنار شد. در این راستا پس از مرور فرایند شکل‌گیری گفتمان حقوق بشر و روندهای جهانی شدن، شکل‌گیری این گفتمان از جهت نظری در تونس را از جهات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، تکنولوژیک و غیره بررسی خواهیم کرد و پس از واکاوی نقش و جایگاه و عملکرد دولت در رابطه با این حقوق (گفتمان هنجاری) و نیز اشاره به نقش گفتمان اجرایی در انقلاب، در نتیجه جایگاه گفتمان حقوق بشر در انقلاب تونس را خواهیم سنجید.

۲- مفاهیم و چارچوب نظری

حقوق بشر به مثابه گفتمان، بخش قوام‌یافته‌ای از حقوق بین‌الملل است که کاربست جهانی پیدا کرده، به قراری که یکسری سازوکار اجرایی به حمایت از آن می‌پردازند. البته وضعیت گفتمانی این حقوق زمانی تثبیت شد که مردم جهان از حقوق خود به‌عنوان حقوق بشر آگاه شده‌اند به‌نحوی که همه چیز از حیث حقوق بشر ملاحظه و وجدان عمومی جهان به قدری حساس شده است که هر جا حقوقی نقض شود و به حقوق بشر تجاوز شود، این وجدان آزرده و واکنش نشان می‌دهد (Katoozian, 2007, p.186).

در پدیداری گفتمان جهانی شدن حقوق بشر عوامل و شرایط مختلفی نقش داشتند. یکسری مسائل مانند تبعیض‌های نژادی، امتیازات طبقاتی، سلب آزادی اندیشه، عقیده و بیان در قالب برده‌داری و خریدوفروش انسان و تعصبات کور مذهبی در طول تاریخ، بشریت را رنج داده و زمینه‌ساز تدوین اسناد و ضوابط حقوق

بشر گردیدند (Sharifi, 2009, p.293). در کنار این مسائل انباشتی تاریخ که به ضرر بشریت تمام شده بود، بحران‌های مدرن در قرن بیستم مانند جنگ‌های جهانی اول و دوم که مانند ننگی بر پیشانی تاریخ بشریت در دوران جنگ سرد باقی ماندند، باعث شده است که مجامع بین‌المللی شکل گیرند و برخی دولت‌ها حتی به بهانه حقوق بشر در مقابل یکدیگر سد کنند. این موج پس از پایان جنگ سرد تشدید شد و بسیاری از ملل اروپایی از سلطه کمونیسم رهایی جستند، مجال یافته‌اند که به فرایند انتقال دموکراتیک مبادرت ورزند. مضافاً اینکه، تلاش‌های بین‌المللی ناظر بر ترویج حقوق بشر، از مناقشات ایدئولوژیک تضعیف‌کننده و شعارهای سیاسی گذشته، رهایی یافته است. این تحولات، سازمان ملل متحد را قادر ساخته است که به گونه‌ای فزاینده، حول محور موانع اجرای حقوق بشر متمرکز شود (Jntal, 2000, p.99) اما گذشته از وقایع تاریخی و به تبع آن شکل‌گیری اسناد و متون حقوق که در قالب سه مرحله نظری، هنجاری و اجرایی قابل ملاحظه است بدون تردید آنچه حقوق بشر را گفتمانی ساخت که همه به‌طور جهانی ذیل آن بی‌اندیشند فعل و انفعالاتی است که در قالب جهانی‌شدن اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در سراسر جهان اتفاق افتاده است (Krokordal & Ferbrother, 2002, p.100) که در ادامه در قالب چارچوب نظری و برای دستیابی به مدل نظری تلاش می‌شود ابتدا فرایندهای مذکور و سپس ابعاد گفتمانی جهانی‌شدن حقوق بشر مطالعه گردد.

۲-۱- فرایندهای جهانی‌شدن

در فرایند جهانی‌شدن علل مختلفی در قالب ابعاد و اضلاع آن دخیل بوده‌اند. این ابعاد در قالب «وقایع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی، به‌صورت روزافزون به یکدیگر مرتبط و عجین شده‌اند» (Bilis & Smith, 2004, pp.33-34). این ابعاد جهانی‌شدن علاوه بر اینکه بر یکدیگر تأثیر گذار بوده، هر کدام به‌مثابه یک علت در بروز و ظهور گفتمان حقوق بشر نقش مؤثری داشته‌اند؛ البته این رابطه دوسویه است. به همان ترتیب که گفتمان جهانی حقوق بشر هویتی جدا از این ابعاد ندارد و متعاقباً بر همه این ابعاد تأثیر می‌گذارد.

علی‌رغم درهم‌تنیدگی این ابعاد، بعد اقتصادی، نخستین بُعد از جهانی‌شدن است که به لحاظ نظری و عملیاتی مطرح و در سایر ابعاد منتشر و تئوریزه شد (KraSner, 1998, p.28). با هر تعریفی از جهانی‌شدن اقتصاد ولو اینکه به قول «اسکات لش» و «یوری» آن را «سرمایه‌داری پیشرفته» بدانیم (Sazmand, 2005, p.55)، قدرت و اختیارات دولت محدود می‌شود و مهم‌تر اینکه طرح رشد اقتصادی، حقوق بشر را ارتقا می‌دهد. رشد اقتصادی خواه از طریق اشتغال و افزایش درآمد، خواه به‌واسطه بهبود و تعمیم این امکانات، برای تعداد بیشتری از مردم موجب افزایش دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، خوراکی، پوشاک و سرپناه

می‌شود (Krokordal & Ferbrother, 2002, p.101). علاوه بر این، نهادهای اقتصاد جهانی معمولاً قبل از سرمایه‌گذاری، خواستار وجود برخی شرایط مانند حاکمیت قانون، اقدامات شفاف و روشن و حل اختلافات بین‌المللی می‌شوند. برعکس چنانچه دولت در مواجهه با جهانی شدن تقلیل‌گرایانه و ضعیف ظاهر شود، آنگاه نمی‌تواند امور اقتصادی و متأثر از آن امور سیاسی و اجتماعی خود را تنظیم کند. در نتیجه، از عهده خدمات عمومی، شکاف طبقاتی، تشدید بی‌عدالتی و نابرابری بر نمی‌آید و این وضع، روند گفتمان حقوق بشر را انقلابی می‌کند. این وضعیت هنگامی برای دولت خطرناک‌تر می‌شود که فناوری ارتباطی گسترش پیدا کند.

از ابعاد پیوسته با حوزه اقتصادی در بستر جهانی شدن، فناوری ارتباطی است. در این باره کاستلز باور دارد که «جهانی نو» بر اثر تقارن تاریخی سه فرایند مستقل؛ انقلاب فناوری و اطلاعات، بحران‌های اقتصادی سرمایه‌داری و دولت‌سالاری، شکوفایی جنبش‌های اجتماعی- فرهنگی در پایان هزاره دوم پدیدار شد که به تجلی «جامعه شبکه‌ای» منجر شده است (Sinai & Ebrahim Abadi, 2004, p.199). در این جامعه شبکه‌ای، تعاملات بین‌المللی و ارتباطات جهانی افزایش می‌یابد که با خلق اینترنت و شبکه‌های مجازی، در فضای زمان و مکان تغییراتی ایجاد شده و زمان و مکان به صفر نزدیک گردیده و به «فشرده‌گی زمان» انجامیده است (Toffler, 1992, p.68). از جمله پیامدهای این فرایند «ورود بازیگران جدید به عرصه بین‌المللی»، «کاهش انحصار دولت در زمینه اطلاع‌رسانی و تحدید حاکمیت آن» (Taheri, 2002, p.36)، «بالارفتن آگاهی سیاسی مردم» و «تغییر جامعه‌پذیری جامعه» است. لذا در این چارچوب، اطلاعات مربوط به نقض حقوق بشر خیلی سریع‌تر در جهان منتشر و حامیان حقوق بشر به اطلاعات مجهز و در برابر ظلم حمایت می‌شوند، وانگهی توانایی دولت‌ها در پنهان‌کاری درباره نقض حقوق بشر کاهش می‌یابد. به علاوه فناوری ارتباطی ماهیت و آرمان زندگی مردم دنیا را تغییر و همبستگی دنیا در برابر بی‌عدالتی را بیشتر می‌کند.

جهانی شدن فرهنگی نیز به نوعی بستر شکل‌گیری جهانی شدن حقوق بشر است. در چارچوب تعریف فرهنگی رابرتسون از جهانی شدن، جهانی شدن نه با نظریه‌های اقتصادی بلکه با وابستگی متقابل جهانی و آگاهی از جهان به عنوان یک کلیت یک پارچه اتفاق می‌افتد (Sazmand, 2005, p.55). البته در این فرایند، فرهنگ و کنش واحد و الزاماً یکپارچه کننده ندارد بلکه واکنش‌های مختلفی مانند «همگونی»، «خاص‌گرایی» و «آمیزش فرهنگی» را از خود نشان می‌دهد. در همه این حالات مخصوصاً در روایت جهان‌شمولی فرهنگ، فرهنگ جهانی لیبرال دموکراسی و ارزش‌های مشترک انسانی مانند حقوق بشر،

مقابله با خشونت سازمان‌یافته دولتی برجسته می‌شود (GolMohamedi, 2014, p.156). تغییرات بنیادی در جوامع سنتی سبب می‌شود فرهنگ اطاعت و سلطه‌پذیری پاتریمونالی جای خود را به روحیه مطالبه‌گری دهد. در این فرایند، فرهنگ لازم برای پیگیری حقوق فردی و اجتماعی مهیا می‌گردد. این امر روند بازتولید قدرت ساختارگرا را به هم می‌ریزد و در رابطه پیشینی جامعه با دولت تغییر ایجاد می‌کند. آخرین بعد جهانی شدن در یک دولت اقتدارگرا در حوزه سیاست روی می‌دهد. در حوزه جهانی شدن سیاست، نیروهای جامعه مدنی جهانی با داشتن مجاری ارتباطی، خواسته‌های خود را به سطح توده مردم در بسیاری از جوامع انتقال می‌دهند و آگاهی و انتظارات مردم را نیز افزایش می‌یابد. اگر دولت‌ها نتوانند این انتظارات را برآورده کنند دچار بحران پاسخ‌گویی و مشروعیت می‌شوند و به دنبال آن موجی از دموکراسی خواهی گسترش می‌یابد. لذا طی این فرایند، «مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب از قبیل پاسخ‌گویی، شفافیت، حاکمیت قانون، مشارکت‌جویی، عدالت‌محوری، مسئولیت‌پذیری و... اهمیت می‌یابد» (Scholte, 2003, p.183). چنانچه نظام سیاسی از درک این تغییرات ناتوان ظاهر شود و یا از انجام اصلاحات دموکراتیک شانه خالی کند، نمی‌تواند زمان را در انتظار سرنوشت روشنی به سر کند.

در مجموع جهانی شدن به قول ریچارد فالک با کمک نیروهایی از بالا و از پایین، زمینه را برای شکل‌گیری فرهنگ حقوق بشر هموار کرد. جهانی شدن از بالا مربوط به فعالیت‌های شرکت‌های فراملی، سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی است و شامل همکاری بین دولت‌ها و آژانس‌های بزرگ سرمایه‌گذاری و... است. برعکس جهانی شدن از پایین شامل مشارکت عمومی در سطوح محلی، ایجاد جوامع مدنی و افزایش سازمان‌های غیرحکومتی به‌عنوان بخشی از «تقویت اشکال سازمانی و فعالیت‌های ملازم با جامعه مدنی جهانی به‌مرور زمان است» (Kazemi, 2004, p.259).

۲-۲- سازه‌های شکل‌دهنده گفتمان جهانی شدن حقوق بشر

نمی‌توان در پیدایش گفتمان حقوق بشر تنها به عوامل برون‌سازهای در رابطه جامعه و دولت مراجعه کرد بلکه باید به فعل و انفعالات سازه‌ای گفتمان حقوق بشر نیز توجه داشت. مطالعه تاریخ شکل‌گیری سازه‌ای گفتمان حقوق بشر ناظر بر سیر تکوینی در سه حوزه «نظری- فلسفی»، «حقوقی- هنجاری» و «سیاسی- اجرایی» است که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

سازه یا خرده‌گفتمان نظری- فلسفی دارای یکسری اصول و مبانی مهم از جمله اصل «کرامت و حیثیت انسانی»، «آزادی»، «برابری» و «عدالت» است. این اصول گرچه ریشه در ذات بشر دارد ولی ماهیت مقیدکننده آنها ریشه در اسناد جهانی حقوق بشر نیز دارد. چنان‌که ماده (۱) اعلامیه جهانی حقوق بشر تأکید می‌دارد که «تمامی افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق باهم برابرند. همه دارای

عقل و وجدان می‌باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.» این چنین توجهی نیز از سوی فیلسوفان و در قالب حقوق طبیعی مطرح شده است چنان‌که با عملکرد تئوریک فلاسفه حقوق طبیعی انسان مبنای فلسفی حقوق بشر قرار گرفته است. اهمیت حقوق طبیعی در شکل‌گیری حقوق بشر به نحوی بوده است که در تعریف حقوق بشر اذعان می‌گردد که حقوق بشر مجموعه حقوقی است که بر اساس نظریه حقوق طبیعی به موجب قانون طبیعی یکسان به افراد بشر داده شده و جزء ذاتی و جدایی‌ناپذیر موجودیت انسانی آنها به شمار می‌آید و نهادهای حقوقی و قضایی (داخلی و بین‌المللی) می‌باید از آن دفاع کنند (Ashoori, 2003, p.31). این خرده‌گفتمان در پرتو دیگر خرده‌گفتمان‌های حقوق بشر به بار می‌نشیند.

سازه یا خرده‌گفتمان هنجاری - حقوقی اساساً بعد از جنگ جهانی دوم و متأثر از ویرانی‌های آن سرعت گرفت. جامعه بین‌المللی با تدوین منشور ملل متحد (۱۹۴۵) و اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) به حمایت از حقوق بشر پرداخته و متعاقباً با وضع میثاق‌های بین‌المللی و کنوانسیون‌های حقوقی متعدد از دولت‌ها خواسته است به این حقوق احترام بگذارند. از جمله متون تأثیرگذار در توسعه هنجاری حقوق بشر که تعهد حقوقی و قاعده حقوقی لازم‌الاجرا ایجاد کرد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است که مشمول حق حیات، مشارکت سیاسی، آزادی بیان، آزادی و امنیت شخصی، آزادی عقیده و مذهب و... است. این حقوق برای دولت‌ها لازم‌الاجرا است و باید بدون تبعیض اجرا شوند. متن دیگر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (نسل دوم) است که به شناسایی حق معیشت، مسکن، بهداشت، تشکیل خانواده، داشتن کار، تأمین اجتماعی، برخوردی از آموزش، تشکیل مجامع کارگری و اعتصاب و... پرداخته است (Locienz Zahaari, 2009, p.222).

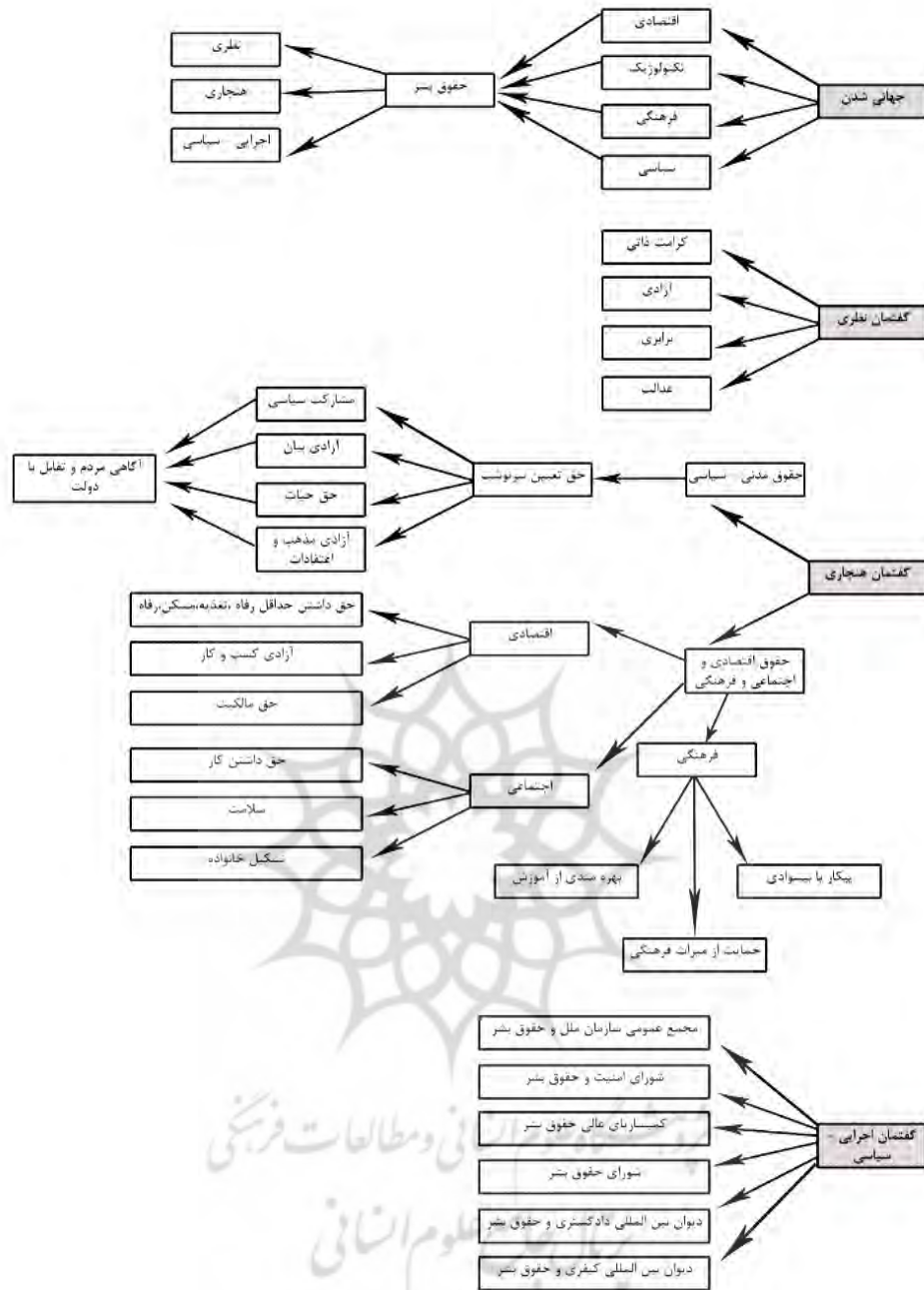
این گفتمان (هنجاری)، هنگامی تکمیل می‌شود که «در پرتو گفتمان سیاسی - اجرایی، سازوکارهای بین‌المللی تأثیرگذار بر سازوکارهای داخلی موضوعیت یابد» (Sharifi Tarazkahi, 2011, p.14). در گفتمان اجرایی، نه تنها حوزه کنترل و نفوذ دولت تحدید و حتی کنترل می‌شود بلکه مشکلات تورم هنجاری در گفتمان هنجاری برطرف می‌شود. در این مرحله، هنجارهای حقوقی وضع شده ضمانت اجرا پیدا می‌کنند. از این رو، گسترش ساختاری حقوق بشر و ایجاد مکانیسم‌های مناسب در کنار گسترش هنجاری آن، از جمله اموری بوده است که در چند دهه اخیر مورد توجه کشورها و سازمان‌های بین‌المللی واقع گردید (Naghbi Monfared, 2010, p.69). این وضعیت از طریق سامانه‌های اجرایی و نظارتی متعددی چون سازمان ملل متحد، سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی به‌عنوان نهادهای جامعه مدنی و

دادگاه‌های بین‌المللی کیفری، مجمع عمومی، شورای اقتصادی و شورای امنیت، دیوان دادگستری بین‌المللی، ... به اجرا درمی‌آید.

چنان‌که ملاحظه شد فرایندهای پیچیده جهانی شدن و تحولات فکری و حقوقی شرایط را برای درک یک جهان فرهنگی و مبتنی بر حقوق بشر فراهم کرده به گونه‌ای که حقوق بشر، اصول و نهادهای حامی آن به یک اصل پذیرفته شده و گریزناپذیر در عرصه جهانی تبدیل شده است. در پس این تحولات و فرایندهای پیچیده جهانی شدن، افق‌هایی از شرایط جدید در حوزه حقوق بشر پیدا شد که در حکم پنجره‌ای برای انسان می‌ماند و می‌تواند به‌عنوان (دارایی‌های اخلاقی - معنوی) تلقی شوند که متعلق به همه بشر است. آنها در رأس هرگونه سلسله مراتبی از حقوق قرار دارند و اغلب برای چالش سایر مدعیان حقوقی دیگر استفاده می‌شوند (Tony, 2002, p.203).

بدین ترتیب که فرایندهای مختلف جهانی شدن، دولت را از مدار حاکمیت تعیین‌کننده خارج می‌کند در همان حال جامعه را با برخورداری از رشد و توسعه در حوزه اقتصاد، فرهنگی - اجتماعی و تکنولوژیک نسبت به ارزش‌های و اصول حقوق بشر چون آزادی، عدالت، برابری، عزت و کرامت حساس می‌نماید و در نتیجه پیگیر مطالبات و حقوق هنجاری در زمینه سیاسی - مدنی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌کند. بدین معنی که جامعه از یکسو خواهان حقوق سیاسی - مدنی چون آزادی بیان و مشارکت سیاسی می‌شوند و از طرف دیگر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی چون رفاه، حق تشکیل خانواده و بهره‌مندی از آموزش... را مطالبه و پیگیری می‌نمایند. این وضعیت البته هم‌زمان و متأثر از رشد روزافزون دستگاه‌های فکری و سازه‌های حقوق بشر چون تدوین میثاق‌ها و معاهدات هنجاری و مجاری بین‌المللی اجرایی امکان‌پذیر بوده است چنان‌که می‌توان مدعی شد که هردوی این عوامل در شکل‌گیری گفتمان حقوق بشر نقش بنیادی و تکمیلی داشته‌اند.

در پایان به نظر می‌رسد با توجه به آنچه در تدوین مسئله آمده است طراحی و تدوین تئوری و مدل نظری به‌دست آمده می‌تواند به مثابه یک رویکرد پژوهشی عمل‌کننده. این امر از این جهات عملی است که به‌طور هم‌زمان در اثر مواجهه کشور تونس با امواج جهانی شدن، جامعه کم‌ویش با حقوق خویش آگاه شدند و دولت از پذیرش این تحولات خودداری ورزیده و به همین دلیل حاکمیت سنتی آن به چالش کشیده شده است.



شکل ۱: مدل پژوهش

۳- بررسی فرایندهای جهانی‌شدن در کشور تونس

جهانی‌شدن در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تکنولوژیک می‌تواند در یک جامعه نفوذ پیدا کند و فهم مردم از شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را شکل و سامان دهد و در نهایت این فرایندها می‌توانند بستری جهت اشاعه و آشنایی جامعه با حقوق بشر را فراهم آورند. در ادامه به نحوه گسترش این فرایندها و تأثیرگذاری آنها در شکل‌گیری گفتمان حقوق بشر در جامعه تونس می‌پردازیم.

۳-۱- جهانی‌شدن اقتصاد در کشور تونس

جهانی‌شدن عمدتاً از حوزه اقتصاد آغاز می‌شود، کشور تونس نیز مانند مصر به‌طور اجتناب‌ناپذیری در حوزه اقتصادی با جهانی‌شدن مواجه شد. کسری در امر بودجه، دولت را ناچار به اتخاذ و پذیرش سیاست اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در میانه دهه ۱۹۸۰ نمود. حاصل این مواجهه رشد و توسعه بوده است. شواهد نشان می‌دهد که تونس به‌واسطه در پیش گرفتن سیاست‌های تعدیل ساختاری در اواخر دهه ۱۹۸۰ به تحرک گسترده‌ای در عرصه خصوصی‌سازی، آزادسازی قیمت‌ها و اقتصاد بازار و کاهش قابل توجه هزینه‌های عمومی (کاهش یارانه‌ها، کاهش کارکنان دولتی و...) دست‌یافت (Guerrero, 2010). برای نمونه در این دوره، صنایع تولیدی که اغلب تولیداتشان برای صادرات بوده است، به منبع اصلی درآمدهای خارجی کشور بدل شدند و تولیدات صنعتی ۳۱ درصد تولید ناخالص داخلی تونس را تشکیل دادند. از همین‌رو مجمع جهانی اقتصاد تونس در سال ۲۰۱۱ را در ردهٔ چهارم اقتصاد رقابتی جهان و رتبه نخست کشورهای آفریقایی ارتقاء داده بود (Schwab, 2011).

یکی از منابع مهم درآمدی تونس وجه ارسالی تونسی‌های مقیم خارج از کشور بود. حدود یک میلیون نفر از اتباع تونس در خارج زندگی می‌کردند که منبع مهم درآمد ارزی برای این کشور محسوب می‌شده است (Achy, 2011, p.5). در اقتصاد بدون نفت و دیگر منابع طبیعی، صنعت گردشگری از منابع بسیار مهم و درآمدسازی ارزی محسوب می‌گردید (Mihailovich & Sommer, 2011)، چنان‌که در سال ۲۰۰۹ بیش از ۶٫۹ میلیون نفر توریست از تونس دیدن کردند توریست‌هایی که عمدتاً اروپایی بودند. این بخش در این سال حدود ۱٫۹۶۵ میلیارد دلار برای تونس درآمد خارجی حاصل می‌کرد که حدود ۷٫۲ درصد از درآمد ارزی این کشور و ۴٫۵۱ درصد از تولید ناخالص ملی آن را تشکیل می‌داد (International market, 2011, p.51). البته در کنار این صنایع، سهم بخش خدمات نیز از ۵۵ درصد در اوایل دهه ۱۹۹۰ به بیش از ۶۲ درصد در پایان سال ۲۰۱۰ افزایش یافت (Achy, 2011).

به‌طور کلی می‌توان گفت جامعه تونس در مقایسه با دیگر کشورهای عربی دستخوش تحول، از شاخص‌های توسعه‌یافتگی بیشتری برخوردار گردید. برخی از این شاخص‌ها عبارت‌اند از: افراد بالای خط فقر ۸۴/۵٪، نسبت دسترسی به آب بهداشتی ۹۷/۸٪، نسبت افراد تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی ۸۱/۸٪، درآمد سرانه تونس در سال ۲۰۱۰ حدود ۳ هزار و ۸۵۱ دلار بوده و نرخ رشد اقتصادی آن به‌طور متوسط در دهه گذشته نزدیک ۵ درصد بوده است. لازم به ذکر است که در سال‌های نزدیک به انقلاب به‌طور خاص سال ۲۰۰۹؛ نرخ رشد اقتصادی، تورم و نرخ بیکاری در این کشور به ترتیب ۳٫۱، ۵٫۳ و ۱۳٫۳ درصد بوده است (International market, 2011, p.52).

این تحولات اقتصادی در دیگر حوزه‌های زندگی مردم تأثیرات عمیق و گسترده‌ای را به همراه داشته است. در حوزه اجتماعی با انبساط طبقاتی، در حوزه فرهنگ گسترش فرهنگ توریستی و لیبرال‌منشانه، در حوزه ارتباطات به شکل‌گیری جهان‌ارتباطی، در حوزه سیاست به نظارت و فرهنگ مطالبه‌گرانه بدل گردید. در معنایی روشن و عینی، رشد و توسعه اقتصادی همراه با تغییر و تحول در دیگر حوزه‌های زندگی زمینه شکل‌گیری جامعه و مردمی را فراهم آورد که پیگیر حقوق مادی و معنوی خود اعم از رفاه، کار، اشتغال، بهداشت، تغذیه مطلوب، مسکن، مشارکت سیاسی و آزادی بودند دعای که در ادامه درباره اثبات یا رد آنها بحث خواهیم کرد.

۳-۲- جهانی شدن تکنولوژیک در کشور تونس

همراه با گسترش موج اقتصاد جهانی در تونس، دولت به‌ناچار برای فراهم آوردن دیگر الزامات این فرایند امکان توسعه و دسترسی به تکنولوژی ارتباطی را پذیرفت. از همین‌رو در این کشور توسعه اینترنت و دیگر رسانه‌ها بسیار سریع اتفاق افتاد، چنان‌که کافی‌نت‌ها در همه جای کشور به‌ویژه در شهرها فراوان بودند. برای نمونه رشد اینترنت در این کشور با نرخ ۳۳/۹ درصد در سال ۲۰۱۱ بسیار چشمگیر بوده است، به‌نحوی که از حدود ۴ میلیون کاربر اینترنت در تونس اعضای فیس‌بوک در این کشور ۲ میلیون و ۶۰۲ هزار و ۶۴۰ نفر می‌باشد که رشد ۲۴/۵ درصدی را نشان می‌داد (Reza Khah, 2012). از این میان ۶۶ درصد کاربران تونسی زیر ۳۴ سال سن داشته، واقعیتی که نشان از تمایل زیاد جمعیت جوان به استفاده از ابزارهای جدید بوده است. در این میان زنان سهم قابل توجهی داشتند شواهد حاکی از آن است که ۴۱ درصد زنان تونس عضو فیس‌بوک بودند. البته در این میان دیگر رسانه‌ها نیز چون تلفن همراه در میان جامعه تونس رشد روزافزونی داشته است به‌نحوی که ۶۷ درصد مردم تونس از این تکنولوژی برخوردار بودند. این حجم نفوذ ابزارهای ارتباطی به‌مثابه یکی از جنبه‌های بعد تکنولوژیک جهانی شدن تأثیر زیادی بر آشنایی مردم با حقوق انسانی خود و آگاهی از این حقوق داشته است. بدون تردید استفاده

از این تکنولوژی رسانه و یکپارچگی جهانی که به واسطه این ابزار برای جامعه تونس مهیا گردید از دو جهت در انقلاب تأثیرگذار بوده است: یکی اینکه جهانی شدن تکنولوژی و توسعه در این حوزه، جامعه را به اصول و مبانی حقوق بشری خود آشنا ساخت، موضوعی که در خرده‌گفتمان نظری در تونس مورد بحث قرار می‌گیرد، دوم اینکه این تکنولوژی امکان مواجهه با دولت غیردموکراتیک و سرکوب‌گر را فراهم آورد. در واقع این ابزار این امکان را فراهم کرد که «شمار روزافزونی از جوانان که محیط بیرونی اطرافشان را سرکوب فراگرفته بود به اینترنت دسترسی پیدا کنند» (Forthcoming & Hammouda, 2012). شاهد بر این ادعا میزان دسترسی انقلابیون در سال‌ها و روزهای انقلابی بوده است. شواهدی که نشان می‌دهد که حدود ۲٫۸ میلیون کاربر در سال ۲۰۰۹ و ۳٫۶ میلیون در مارس ۲۰۱۱ در تونس وجود داشته است (Meddah, 2009).

۳-۳- جهانی شدن فرهنگ در کشور تونس

شاید بتوان یکی از دلایل بیداری و آگاهی مردمی در تونس را تغییر و تحولات جهانی دنیای حاضر در عرصه فرهنگی به‌ویژه، کم‌رنگ شدن مرزها و مراودات این کشور با جهان خارج دانست. نمود بارز این مراودات گسترده فرهنگی کشور تونس را در صنعت توریسم می‌توان مشاهده کرد. چنان‌که در بحث اقتصاد درباره توسعه صنعت توریسم در تونس گفته شد و آثار این صنعت در اقتصاد تونس را یادآور شدیم، لازم است بیان شود که یکی از مهم‌ترین آثار این صنعت، در حوزه فرهنگی کشور تونس حادث شده بود به‌نحوی که توریسم، آگاهی و در پی آن سطح انتظارات و مطالبات جامعه را بالا برد، جامعه‌ای که حاکمان آن به مطالبات مردم پاسخگو نبودند و این وضعیت در جنبش و انقلاب روی داده، نقش اساسی داشته است.

علاوه بر توریسم و دیگر تبادلات فرهنگی و دادوستدها در تونس، رشد و تحولات فکری به‌واسطه رسانه‌ها و آموزش و تحصیلات نیز منجر به نوعی در تحول فرهنگی کشور تونس تأثیرگذار بوده‌اند. در سال تحصیلی ۱۹۵۷-۱۹۵۶، تعداد ۲۲۶۷۳۶ نفر در مقطع ابتدایی ثبت‌نام کردند، در حالی که تعداد ثبت‌نام‌کنندگان مقطع میانی ۳۲۹۰۰ نفر بود (Allman, 1979, p.65). در سال ۱۹۷۴-۱۹۷۵، تعداد دانشجویان تونسی ۱۳۷۰۰ نفر بوده است (Allman, 1979, pp.67-68). این میزان در سال‌های بعد به سرعت رشد پیدا کرد، به طوری که در سال دانشگاهی ۲۰۱۳-۲۰۱۲ تعداد دانشجویان دانشگاه‌ها و مؤسسات آکادمیک تونس ۳۳۷۳۹۳ نفر بوده است؛ که از این تعداد، ۳۱۵۵۱۳ نفر در بخش عمومی و ۲۱۸۸۰ نفر در بخش خصوصی مشغول تحصیل بوده‌اند (MESRST, 2014). در سال دانشگاهی ۲۰۱۱-

۲۰۱۰، تعداد مردان دانشجو در تونس ۷۷۳۹۰ نفر کمتر از تعداد زنان دانشجو در این کشور بوده است (Ben Salem, 2010, p.2). این شواهد حاکی از آن است که رشد اقتصادی و اجتماعی در شکل‌گیری رشد فرهنگی به‌ویژه آگاهی جامعه نسبت به حقوق خویش تأثیرگذار بوده است از فحوای شعار و ارزش‌های انقلابیون می‌توان دریافت کرد که جامعه تونس در پی تحقق حقوق بشری خود تحت‌عنوان اصولی چون آزادی، عدالت و برابری بودند اصولی که جز در سایه تحول فرهنگی که در جامعه‌پذیری جدید امکان‌پذیر بوده است. در واقع در این دوره به‌دقت می‌توان شاهد نسلی بود که متأثر از همین تحولات نمی‌خواهد اطاعت کند نمی‌خواهد مانند گذشتگان خود سکوت اختیار نماید بلکه در پی گرفتن حقوق خویش است.

۳-۴- جهانی شدن در عرصه اجتماعی - سیاسی کشور تونس

بروز و نمود مجموعه تحولات تونس در حوزه اجتماعی در نتیجه تعامل با روندهای جهانی شدن در عرصه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، تکنولوژیک و... به وجود آمد. البته تونس در عرصه سیاسی حتی در دوران پیش از استقلال نیز از پویایی‌ای خاص به‌ویژه در حوزه جامعه مدنی برخوردار بوده است، به‌نحوی که جامعه مدنی در دوران پس از استقلال در سال ۱۹۵۶ و دوران بورقبیه و بن‌علی با وجود فراز و نشیب‌های مختلف، باز به‌طور کلی فعال و پرجنب و جوش بوده است (Hatami, 2014, p.127). برخی بر آن‌اند که نزدیکی جغرافیایی این کشور به اروپا موجب آن بوده است که فرهنگ سیاسی این کشور به‌نوعی در پی توسعه و حل و جذب فرهنگ سیاسی اروپایی در دل خود باشد (Murphy, 2004, p.228).

با این اوصاف متأثر از این تحولات جهانی اتحادیه کار تونس، اتحادیه بازرگانی تونس، سازمان تحقیقات و تحولات زنان تونس، جامعه حقوق بشر تونس، شورای ملی آزادی، سازمان دموکراتیک زنان تونس و حزب النهضه (Bajzikova, 2012, p.16) از مهم‌ترین نهادهای سیاسی و اجتماعی‌ای بودند که در سایه سیاست‌های بن‌علی تا حدی فعالیت داشتند. البته با همه تحولات سیاسی و اجتماعی و فراز و فرودهای جامعه مدنی، در حوزه سیاسی به‌طور کلی تونس‌ها اجازه و فرصت هیچ‌گونه انتقادی از بن‌علی و حکومتش را نداشتند و رژیم هر شکل از مخالفت سیاسی را سرکوب می‌کرد. فعالان حقوق بشر، روزنامه‌نگاران و اعضای اپوزیسیون تحت نظارت، آزار، شکنجه و حبس مداوم بودند (Kausch, 2009). به‌جز چند استثناء مانند اتحادیه حقوق بشر، تونس‌ها از ثبت رسمی و قانونی هرگونه نهاد و انجمن سیاسی محروم بودند (Kausch, 2009). در واقع دولت با توسعه اجتماعی و مطالبات سیاسی و حقوقی سیاست انقباضی را پیش می‌گرفت و از قوانین نیز به‌منظور اعمال فشار به روزنامه‌نگاران و سردبیران و

تحدید بیشتر آزادی بیان استفاده می‌برد. رژیم رویکردی پیچیده در جهت سانسور ارتباطات آنلاین و تأخیر در دسترسی آزاد به اینترنت نیز در پیش گرفته بود. حاکمیت دسترسی به بسیاری از سایت‌ها را ممنوع و فیلتر کرده بود و وارد عملیات بسیار گسترده «فیشینگ» اطلاعات حساب‌ها و سایت‌های شخصی افراد شده بود. علاوه بر فشار بر اینترنت و رسانه‌ها، رژیم هرگونه نقد عمومی از دولت و سیاست‌های آن را سرکوب می‌کرد. به جز چند استثناء مانند اتحادیه حقوق بشر، تونسی‌ها از ثبت رسمی و قانونی هرگونه نهاد و انجمن سیاسی محروم بودند (Kausch, 2009). در حقیقت این چنین بود که دولت علی‌رغم مواجهه با توسعه در ابعاد مختلف جامعه حتی مطالبه در سطح سیاسی، با رویه سرکوب و ایجاد رعب و وحشت رفتار می‌کرد و مطالبات جامعه را پس می‌زد.

البته برای درک چگونگی تأثیرگذاری گفتمان حقوق بشر بر تحولات تونس لازم است در کنار بررسی فرایندهای جهانی شدن، خرده گفتمان‌های حقوق بشر (نظری، هنجاری و اجرایی) که در ارتباط با این فرایندها نیز توسعه یافته بودند، مورد بررسی قرار گیرند.

۴- خرده گفتمان نظری حقوق بشر

چنان که قبلاً گفته شد در یک صورت‌بندی نظری، گفتمان جهانی حقوق بشر در قالب سه سازه یا خرده گفتمان «نظری-فلسفی»، «حقوقی-هنجاری» و «سیاسی-اجرایی» تعریف شده که مهم‌ترین اصول و خطوط فکری و فلسفی این گفتمان در قالب خرده گفتمان نظری-فلسفی طرح و دسته‌بندی شده است (Sharifi Tarazkahi, 2011, p.99). در خرده گفتمان نظری حقوق بشر که اصول آن مورد قبول جامعه جهانی قرار گرفته است، اصول «حیثیت و کرامت انسانی»، «آزادی»، «برابری» و «عدالت» جایگاهی کانونی دارند. در پرتو این اصول و مبانی محوری گفتمانی حقوق بشر، آنگاه که مردمان در نتیجه تحولات جهانی و فرایندهای جهانی شدن به حقوق انسانی خویش آگاه می‌شوند و آزادی و برابری و عدالت را به مثابه حقی جدایی‌ناپذیر از هستی خویش می‌شمارند، در رابطه خود با دولت نیز خواهان به رسمیت شناخته شدن، مورد احترام واقع شدن و اجرایی شدن این حقوق می‌گردند. اکنون باید نگریند که آیا در تونس هم این گفتمان به چنین جایگاه و نقش و کارکردی رسیده بود؟

۴-۱- اصل حیثیت و کرامت انسانی

اصل حیثیت و کرامت انسانی به عنوان یکی از اصول و مبانی نظری و فلسفی حقوق بشر است که انسان را دارای شأنی خاص و انسانی می‌داند. کرامت یا حیث ذاتی انسان به نوعی تلقی انسان به مثابه انسان بودن اوست و انسان از آن حیث که انسان، شریف، ارجمند و شایسته احترام است، دیده می‌شود. در این نگاه به انسان، رنگ و نژاد و دین و مذهب و ثروت و جغرافیا جایی ندارد و ملاک برتری یا فروتر دیده شدن

انسان نسبت به انسان نیست و همگان و همه ابنای بشر تنها از آن روی انسان‌اند سزاوار احترام و تکریم هستند (Fallahi & Poorhassan, 2013, p.128). اصل کرامت انسان حقوق اولیه و اساسی را از جمله (حق حیات، حق مالکیت، حق امنیت، آزادی و...) برای همه انسان‌ها محترم می‌شمارد و اگر اندیشمندی حقوق اساسی را نفی کرد کرامت ذاتی انسان را زیر سؤال برده است (Mousavi, 2010).

اگر طلیعه انقلاب مردم تونس را اقدام بو عزیزی بدانیم، شاید پر بیراه نباشد جای حق کرامت انسانی را در کار او ببینیم و ارزیابی کنیم؛ کسی که علی‌رغم تحصیلات عالی به سبب ظلم نظام بن علی برای لقمه نانی به حقارت دست‌فروشی تن داده بود، از عمال مغرور و پر از نخوت او سیلی خورد، بازداشت شد و به بیرون پرتاب شد، درحالی که تنها در تقلاي نخستین حق خود یعنی زندگی بود. درواقع سریال سقوط دیکتاتورهای عرب با خودسوزی محمد بو عزیزی، جوان تحصیل کرده اما فقیر و سبزی‌فروش تونسی آغاز شد که ۱۲/۸ درصد از هم‌میهنانش زیر ۲ دلار در روز درآمد داشتند (Alcinda, 2011) چنان‌که سید منصف حامدی، براین باور است که مسئله بو عزیزی مسئله‌ای بومی نبود، بلکه مسئله تمام مردم تونس بود. او با اشاره به قیام‌های منطقه‌ای و محلی در بوزیدی به خاطر فقر و بی‌عدالتی و استثمار معادن فسفر این شهر توسط مناطق و گروه‌های قدرتمند و ثروتمندتر، بر آن است که اقدام اخیر محلی نبود و آنچه در حوادث اخیر رخ داد این بود که (برای نخستین بار تمام مردم تونس احساس مشترکی پیدا کردند). از نظر حامدی مسئله بو عزیزی درواقع مسئله کرامت انسانی بود. مردم می‌دیدند که اگر در برابر این مسئله خاموش بمانند درواقع در برابر از میان رفتن کرامت انسانی خود خاموش مانده‌اند (Hamedi, 2012).

گفته می‌شود تونس در دوران دیکتاتوری بن علی بالاترین نرخ رشد اقتصادی را در کشورهای آفریقایی داشته است رشدی که به‌جای ایجاد رفاه اقتصادی موجب فقیرتر شدن مردم و رساندن آنان به نقطه انفجار گردید. از همین رو برخی انقلاب مردم تونس را انقلاب نان (ثورة الخبز) و برخی انقلاب کرامت (ثورة الكرامة) نامیدند. واقعیت آن است که «سیاست و طبیعت دیکتاتورها در نابودی نان و کرامت است. نانی که شاخص نیاز اولیه بشری است و کرامتی که جوهره انسانیت انسان است. لذا این بی‌عدالتی است که هم نان و هم کرامت و عزت انسانی را از بین می‌برد» (Nematzadeh, 2013). مردم تونس در طلب کرامتی انسانی قیام و انقلاب کردند که رژیم بن علی دیرزمانی بود به اشکال مختلف آن را زیر پا گذاشته بود. بسیاری از مردم تونس در این شرایط به سبب ظلم و بی‌کفایتی دولت برای ادامه حیات و به عبارتی در طلب نان و شغل و کرامت خویش را به قربانگاه برده بودند و دولت بن علی همچنان بی‌توجه بود. در این رابطه، فوزی بشری گزارشگر الجزیره در گزارشی می‌گوید: بن علی پس از گذشت بیست‌وسه سال از حکومتش تازه

فهمید که چه شده است اما این زمان دیگر خیلی دیر شده بود. به گفته او «این مرد که با مشت آهنین بر سرزمینش حکومت می‌کرد در لحظات آخر مهربان، خوب و ضعیف به نظر می‌رسید در صورتی که قبلاً چنین نبود. چیزی که بن‌علی باید می‌فهمید بسیار ساده بود و آن لحاظ کرامت انسانی برای (مردم) بود البته که این امر بدون آزادی تحقق نمی‌یافت. چیزی که بن‌علی نفهمید پند و نصیحت اهل پند و اندرز بود» (Boshra, 2011).

۴-۲- اصل آزادی

آزادی یکی از اصول بنیادی حقوق بشر است که مورد بحث و بررسی فیلسوفان و اندیشمندان بوده است؛ اما سؤال این است که چگونه انقلابیون در تونس در سال ۲۰۱۲ ملهم از اصل آزادی بوده‌اند؟ در این رابطه چنان‌که بسیاری پژوهشگران به‌ویژه هانتینگتون بر آنند که مبنای خواست آزادی، پیدایش و گسترش آن در رشد و توسعه اقتصادی و به‌ویژه افزایش نرخ سواد و طبقه متوسط می‌باشد، این وضعیت در تونس نیز قابل توجه و اثبات است: مهم‌ترین پیامد رشد و نیز بهبود شرایط اقتصادی تونس و بسیاری از کشورهای عربی، رشد قابل توجه شاخص‌های آموزش بوده است. برای نمونه در سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۵ میزان باسوادی در تونس به ۶۲ درصد رسید. تونس از جمله کشورهایی بود که شکاف میان باسوادی دختران و پسران را به‌طور کامل از بین برد. (Baqchari, 2012, pp.466-467) به‌طور کلی در اثر رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی در چند دهه اخیر به قول فرید زکریا (در کتاب آینده آزادی)، طبقه متوسط در تونس ده برابر شده بود (Zacharia, 2011, p.91). به‌عبارت‌دیگر برنامه‌های اصلاحات در تونس با تأکید بر بهبود سطح آموزش و پرورش، سبب شد طبقه متوسط جدید در این کشور، بیش از آنکه از نظر اقتصادی تقویت و تجهیز شود، یک طبقه متوسط فرهنگی رشد یافته باشد. افزایش طبقه متوسط به‌ویژه درباره افزایش دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاهی که هم‌زمان در معرض جهانی شدن فرهنگ و گسترش استفاده از رسانه‌های جمعی (به‌ویژه اینترنت) قرار داشتند، منجر به افزایش مطالبه آزادی‌خواهی و حقوق دیگر انسانی در میان این جمعیت شد. سرمایه‌ای که طبقه متوسط جدید با اکثریت جوانان تحصیل کرده، اما بی‌کار داشتند، سرمایه فرهنگی بود و به‌عنوان مهم‌ترین ابزار در اعتراض به نابسامانی‌های اقتصادی و سیاسی بروز و ظهور یافت. ظهور و بروزی که در مقابل سد دولت بن‌علی همواره با سرکوب مواجه می‌شد و از این‌روی به انفجاری انقلابی انجامید.

در مقابل روند توسعه و پیچیدگی جامعه، رژیم به شکل نظام‌مندی هرگونه مخالفت سیاسی را سرکوب می‌کرد. در طول حکومت بن‌علی فعالان حقوق بشر، روزنامه‌نگاران و اعضای گروه‌های مخالف شکنجه و زندانی می‌شدند (Kausch, 2009). این شرایط یکی از زمینه‌های گسترش اعتراض‌های گسترده علیه

حکومت بن علی و سقوط وی از قدرت در اوایل سال ۲۰۱۱ میلادی بوده است. بن علی تنها یک روز قبل از سقوط از قدرت و در آخرین سخنرانی اش در ۱۳ ژانویه ۲۰۱۱ یک سری امتیازات اقتصادی و اصلاحات سیاسی نظیر نامزد نشدن در انتخابات سال ۲۰۱۴، آزادی مطبوعات و پایان سانسور اینترنت را متعهد شد که انجام دهد اما او دیگر فرصتی برای انجام این اقدامات و نزد مردم اعتباری نداشت (Cristina, 2011, p. 9). به طور کلی سطح مطالبات و خواسته‌ها در پرتو توسعه آگاهی و فرهنگ فزون شده بود اما ظرفیت‌های نهادی ثابت مانده بودند و در نتیجه، تاب و توان تحقق این خواسته‌ها و مطالبات را نداشتند و در نهایت دچار فروپاشی شدند.

۴-۳- اصل برابری

برابری از دیگر اصول مهم نظری گفتمان جهانی حقوق بشر است که برآمده از خواست همیشه بشر برای برابری همگان و همهٔ انبای بشری در حقوق و تکالیف و آزادی‌هایشان بوده است. نابرابری‌ها به هر شکل و در هر سطح در اجتماع و عرصه‌های سیاسی و اقتصادی و... همواره مخرب حیات سیاسی بسامان بوده است و از این روی اراده ناظر بر برابری، اراده‌ای معطوف بر برچیدن راه ظلم، نابرابری و بی‌عدالتی بوده است. یکی از آزاردهنده‌ترین نابرابری‌ها برای مردم تونس نابرابری در توسعه مناطق مختلف این کشور بود. سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال رژیم بن علی الگویی از توسعه را تقویت کرده بود که رشد و توسعه مناطق غربی و انباشت ثروت در حاشیهٔ شمالی را به دنبال داشته و موجب عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی مناطق مرکزی و شرقی شده بود. این سیاست‌ها علاوه بر این، دستمزدهای کم، عدم امنیت شغلی، عدم ایجاد مشاغل و فرصت‌های جدید کاری برای نیروهای تازه‌وارد و جوان بازار کار و... را دامن زده بود. در واقع نابرابری‌های اقتصادی منطقه‌ای حاصل این سیاست‌ها بود. مناطقی که توسعه آنها کمتر بود و نرخ فقر و بیکاری در آنها نزدیک چهار برابر بود نقش مهمی در انقلاب داشتند. رژیم بن علی هیچ‌گونه سرمایه‌گذاری مستقیمی در این مناطق انجام نداده بود (Rogers, 2011). این دولت نه تنها در حق همه مناطق کشور برابری را رعایت نمی‌کرد بلکه همه اقشار جامعه را نیز از این نگاه محروم نموده و حتی در جاهایی که لازم بود در جامعه عدالت را رعایت نماید از این امر سرباز زد و به نفع حامیان خود عدالت را نیز قربانی نمود.

۴-۴- اصل عدالت

یکی از دیگر اصول مهم خرده گفتمان نظری حقوق بشر، عدالت است. در این اصل، جامعهٔ انسانی و بشری می‌بایست بر نظامی مبتنی باشد که در آن همگان از حق و حقوقی عادلانه در نظام توزیع ارزش‌ها

برخوردار باشند و هرگونه نابرابری می‌بایست ناگزیر و متضمن کمترین بی‌عدالتی باشد. این اندیشه نیز جمله از اندیشه‌ها و اصولی بود که از سوی جامعه تونس در آستانه انقلاب مورد مطالبه بود. باوجود تلاش در راستای کاهش فقر، افزایش درآمد، بهبود آموزش، بهداشت و دستاورد در این زمینه، دولت نه تنها بنای اصلاح روندها و کمک به برقراری سامانی عادلانه‌تر در سیاست و اقتصاد را در نظر نداشت، بلکه عملکرد خود و کارگزارانش در بی‌عدالتی‌ها تأثیرگذار بوده و در تنور داغ و سوزان حس بی‌عدالتی در دل مردم می‌دمیدند. چنان‌که جامعه‌شناس تونس صلاح‌الدین بن فرید می‌گوید، قبیله بن‌علی طرابلسی چنان نبض اقتصاد را به‌سختی در دست گرفته بود که سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاران خارجی در تونس را بسیار دلسرد کرده بود. همه امور در دست خانواده بود و سرمایه‌گذاران بالقوه را به مشارکت و همکاری مشترک مجبور می‌نمود و هرکس را حاضر به همکاری و شرکت در بازی طبق قواعد آنها نمی‌شد تهدید می‌نمود (Hibou, 2004, p.2). این وضعیت این‌قدر تداوم داشت و تکرار گردید که مردم از مدت‌ها پیش از انقلاب به این نتیجه رسیده بودند که رئیس‌جمهور و همسرش لیلا طرابلسی شبکه‌ای مافیایی را تحت اختیار دارند که بسیاری از نزدیکان و اقوام آنها در آن نقش دارند و ثروت و قدرت عظیمی را گردآورده‌اند. آنها همه کسب و کارها و بنگاه‌های بزرگ اقتصادی، اطلاعات و فناوری ارتباطی در بانکداری و تولید، خرده‌فروشی، حمل‌ونقل، کشاورزی و فراوری مواد غذایی و... که در حقیقت متعلق به مردم و حق آنهاست را در کنترل داشتند (Honwana, 2011).

بنابراین تونس و مردم آن از اواخر قرن بیستم به‌نوعی در فرایندی دیالکتیکی میان افزایش نرخ رفاه و رشد اقتصادی از یک‌سو و افزایش آگاهی و سطح فکر و سواد از سوی دیگر به‌سوی توسعه گام برداشتند. توسعه‌ای که ناموزون می‌نمود؛ افزایش آگاهی از حق عدالت در میان مردم و فقدان نهادسازی و ایجاد ظرفیت برای تحقق آن از سوی دولت. در چنین شرایطی بود که طبقه متوسط که خود محصول توسعه اجتماعی و اقتصادی بود درازای دسترسی به سطح به نسبت بالای اجتماعی، نبود آزادسازی سیاسی و مدنی و به‌خصوص عدالت را برای سال‌ها پذیرفته بود که اینک به سبب اقدامات خود دولت در عرصه اجتماعی و اقتصادی از یک‌سو و تحولات جهانی شدن و تکنولوژی‌های نوین ارتباطی از سوی دیگر در پی آواز گفتمان جهانی حقوق بشر و اصل عدالت برآمده بود.

۵- گفتمان هنجاری حقوق بشر در تونس و مواجهه دولت با آن:

در خرده‌گفتمان هنجاری، حقوق بشر و اصول آن موردقبول جامعه جهانی قرار گرفت، این اصول و حقوق در چارچوب تعهدات حقوقی متقن و الزام‌آور از سوی نهادهای بین‌المللی دولت را مکلف و مقید به

رعایت و تحقق حقوق سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ساخته است به نحوی هیچ دولتی نمی تواند به راحتی با اجرای این حقوق مخالفت بورزد.

۵-۱- حق تعیین سرنوشت در میثاق بین المللی مدنی- سیاسی در تونس

یکی از حقوق مهم و بنیادی که منشأ هنجارهای حقوقی بوده، حق تعیین سرنوشت است که در دو «میثاق بین المللی سیاسی- مدنی» و «اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» شناسایی شده است. از جمله حقوق میثاق اول، «مشارکت سیاسی»، «آزادی بیان» و «آزادی مذهبی» است که در ادامه به وضعیت آنها پرداخته می شود.

۵-۱-۱- حق مشارکت سیاسی در دولت بن علی

حق مشارکت سیاسی به ویژه در بندهای ۱ و ۳ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته و در بردارنده آزادی احزاب، تشکل های سیاسی، انتشارات، نشریات و راهپیمایی های سیاسی است (Seyyed Fatemi, 2011, pp.89-93). اگرچه این سند با اهمیت، جنبه اجرایی ندارد ولی در مواد حقوق مدنی و سیاسی این حق جایگاه مهمی دارد؛ اما با همه اهمیت حق مشارکت سیاسی و لزوم برخورداری مردمان از آن، زین العابدین بن علی از همان سال های آغازین قدرت خود برخلاف هدفی که تحت عنوان دموکراسی سازی و آشتی ملی مطرح کرد، در جهت بسته نگه داشتن نظام سیاسی و پلیسی کردن دولت حرکت کرد. اگرچه قانون اساسی تونس در دوران او تفکیک قوا را پذیرفته است اما در عمل انحصار قدرت وجود داشته و تمام قدرت در اختیار رئیس جمهور بود. نظام قضایی فاقد هر نوع استقلالی بود و رژیم بن علی کنترل وسیعی بر شورای قضات و انتخاب اعضای آن که وظیفه انتصاب قضات را بر عهده داشت، اعمال می نمود (Kausch, 2009, pp.15-18).

بن علی در گفتار خود سیاست لیبرالی را اساس کار خود قرارداد اما انتخابات برگزار شده در تونس غیررقابتی و غیر لیبرال بود (Sadiki, 2002, p.407). انتخابات برای رژیم بن علی یک استراتژی برای تحکیم قدرت بود نه یک رقابت عادلانه دموکراتیک (Sadiki, 2002, p.504). مخالفان و منتقدان حکومت بن علی در دوران تبلیغات انتخاباتی چندان دسترسی به رسانه ها نداشتند. بن علی در مارس ۲۰۰۸ نیز برای پنجمین بار با ۸۹/۶۲ درصد آراء پیروز شد (Arfaoui, 2009, p.2). به این ترتیب بن علی و رژیمش نشان دادند که برای حق مشارکت سیاسی مردم و خواست مشارکت در امور ارجح و اهمیتی قائل نبودند.

۵-۱-۲- حق آزادی بیان مردم در دولت بن علی

در خصوص آزادی بیان هم در حالی که ماده «۱۹» اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح می کند که هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق دارد که از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز این حق از جایگاه مهم و ویژه ای برخوردار است ولی بن علی برای

آزادی بیان نه تنها ارزشی قائل نبود بلکه مجال دادن به آن را مخالف نظام و منافع خویش می‌دانست. بن علی در آغاز قدرت خود تلاش کرد با انجام اصلاحاتی تونس را به سمت تکثرگرایی هدایت کند؛ اما با گذشت زمان نظام تک‌حزبی و تمامیت‌خواهی بر ساخت سیاسی جامعه تونس سایه افکند به گونه‌ای که در اواخر دوران بن علی این کشور رنگ تکثر سیاسی به خود ندید (Talebi, 2012, p.3).

در دوران بن علی رئیس‌جمهور و حزب وی انحصار استفاده از قدرت و زور را در اختیار داشتند. احزاب مخالف از جمله حزب اسلام‌گرای النهضه یا سرکوب و متلاشی شدند یا اعضای آن به ارتباط با جنبش‌های خشن اسلام‌گرا متهم شده و به خارج از تونس تبعید گشتند (Kausch, 2009, pp.18-19). آزادی اجتماعات تقریباً وجود نداشت و مخالفان سیاسی، قضات مستقل، فعالان حقوق بشر و روزنامه‌نگاران یا معترضان به حکومت از سرکوب، محاکمات ناعادلانه و رفتارهای خشن رنج می‌بردند (Layachi, 2000, p.19).

اغلب تونسی‌ها ترجیح می‌دادند از رژیم حاکم بر کشور انتقاد نکرده و به نوعی امیدی برای تغییرات سیاسی مفید در کشور نداشتند (Honwana, 2011, p.7). این شرایط یکی از زمینه‌های گسترش اعتراض‌های گسترده علیه حکومت بن علی و سقوط وی از قدرت در اوایل سال ۲۰۱۱ میلادی بوده است.

۵-۱-۳- حق آزادی مذهب و عقیده در دولت بن علی

آزادی اعتقادات و مذهب نیز یکی از مهم‌ترین ابعاد بنیادین گفتمان حقوق بشر و حق تعیین سرنوشت است که متضمن آزادی عقیده، اظهار عقیده و ایمان و نیز آزادی آموزش‌های مذهبی و انجام مراسم دینی است. مردم تونس که به فرهنگی دینی و مذهبی تعلق و در آن ریشه داشتند به واسطه عوامل و وسایل مختلف به ویژه از طریق فرایندها و ابعاد اجتماعی و فرهنگی و تکنولوژیک جهانی با این حقوق دینی و مذهبی آشنا و آگاه شده بودند اما در عرصه سیاسی و اجتماعی خود تحقق و اجرای آنها را نمی‌دیدند و این امر به نارضایتی منجر شد.

بورقیه در دوران حکومت ۳۲ ساله خود گرایش‌ها سکولار داشت اما جریان‌ات دینی و خیزش‌های اسلامی در دوران او پر قدرت بودند و به این سبب او را به سخت‌گیری بیشتر و اعلام مجازات‌های سخت برای هر تحرک عمده دینی مجبور کردند (Jahangir, 2013, p.34). وی مترصد آن بود که نوعی برنامه مدرنیزاسیون فراگیر و کامل به اجرا گذارد که در برداشت او معادل غربی شدن و صنعتی شدن به شیوه غرب بود. بورقیه با گروه‌های اسلام‌گرا به شدت مخالفت می‌کرد و فشارها و سرکوب‌های او هسته‌های اولیه حزب النهضه را به فعالیت زیرزمینی مجبور نمود (Nath, 2013, p.52). این فشارها در دوران بن علی هم تداوم یافت. در این چارچوب گویا سکولاریسم فقط به معنای جدایی دین و دولت نبوده و به‌طور

گسترده رد مذهب تلقی می‌گردید (Fishkin, 2013, p.38). چنان‌که در دوران حکومت ظالمانه زین‌العابدین بن‌علی مأموران امنیتی و پلیس مخفی آن کشور به شدت مراقب مسلمانان و به‌خصوص جوانان در مساجد بودند. وزارت امور اوقاف تونس نیز وظیفه دیکته کردن خطبه‌های نماز برای ائمه جمعه را بر عهده داشت و امامان جماعت به‌هیچ‌وجه اجازه نداشتند که خارج از چارچوب تعیین شده سخن یا حرکتی را از خود بروز دهند (Nath, 2013, p.55). در حقیقت این شیوه برخورد با مذهب و گروه‌ها و فعالیت‌های دینی توسط دولت‌های بورقیه و بن‌علی مناسبتی با حقوق بشر در عرصه آزادی‌های عقیدتی و مذهبی نداشت و به‌ویژه با مواد ۱۸ و ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مبنی بر حق اظهار مذهب و حق انجام مناسک دینی در تضاد بود.

۵-۲- حق تعیین سرنوشت در حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

به‌موجب ماده «۱» مشترک میثاقین «کلیه ملل دارای حق خودمختاری هستند، براین اساس، ملل حق دارند وضع سیاسی خود و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تعیین و تأمین کنند.» یکی از این دو میثاق که حقوق «اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» را بحث می‌کند میثاق بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.

۵-۲-۱- حقوق اقتصادی در دوره بن‌علی

ازجمله حقوق اقتصادی که برپایه ماده یک میثاقین بر آن تأکید شده و دولت را ملزم به تحقق آن کرده است حق داشتن امکانات معیشتی در زندگی (حق تغذیه، حق پوشاک...)، حداقل رفاه یا آزادی کسب و کار و حق مالکیت است (Abbasi, 2012, p.267).

در خصوص حداقل امکانات معیشتی به‌ویژه حق برخورداری از تغذیه مناسب در تونس باید گفت که اگر انقلاب تونس نتیجه افزایش قیمت مواد غذایی نباشد، بی‌شک بر بستری از نارضایتی از شرایط اقتصادی و استانداردهای زندگی شکل گرفته است. طبق آمار و اطلاعات FAO در سال ۲۰۱۱ قیمت مواد غذایی در ژانویه این سال رکورد سطوح قیمت‌ها در سال‌های بحرانی ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ را هم شکسته است و به این واسطه بسیاری از تحلیلگران معتقدند آسیب‌پذیری و شکنندگی کشورهای شمال آفریقا به‌ویژه تونس در این حوزه یکی از عوامل اصلی آشوب‌های اجتماعی بوده است (Bellemare, 2011). بحران مواد غذایی همچنین خود را در فشارهای اقتصادی بر هزینه‌های عمومی و قطع یارانه مواد غذایی هم نشان داده این موضوع پیامدهای قابل توجهی بر هزینه‌های خانوارها داشته است و سهم هزینه مواد غذایی را بسیار زیاد کرده است. فشار روی هزینه‌های خانوار به‌جایی رسیده است که در تونس سهم خوراک در سبد خانوار حدود ۳۵٫۸ درصد هزینه‌ها را به خود اختصاص می‌داد (USDA, 2007).

راجع به دیگر حقوق اقتصادی جامعه تونس می‌توان به این نکته اشاره کرد که علی‌رغم اینکه در دو دهه گذشته عملکرد اقتصادی تونس در سطح کلان مثبت بود اما فساد اقتصادی و کنترل شدید دولت بر اقتصاد موجب شد تا رشد مثبت اقتصادی این کشور در عمل نیز نتایج مثبت چندانی نداشته باشد (Paciello, 2011, p.3) و این از مایه‌های نارضایتی مردم بود. شواهد حاکی از آن است که به دنبال سیاست‌های تعدیل اقتصادی و لیبرالیزاسیون صنعت تونس به‌ویژه صنایع نساجی آن ضربه سختی خورد و به از میان رفتن هزاران فرصت شغلی منجر شد. نتیجه این سیاست‌ها همراه با ورود فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها به بازار کار، افزایش نرخ بیکاری به حدود ۲۰ درصد بود (Salehi Isfahani, 2010). این وضعیت با روند کاهشی رشد اقتصادی از ۶/۳ درصد در سال ۲۰۰۸ به ۳/۳ درصد در سال ۲۰۰۹ تشدید گردید (World Bank, 2009). این وضع نابسامان اقتصادی به نارضایتی مردم از ناتوانی دولت در تحقق حقوق مصرح آنها به‌خصوص حقوق موضوع ماده ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی منجر گردید.

فساد وسیع، اجبار و اقتدارگرایی به‌طورجدی از ظرفیت اقتصاد تونس برای ایجاد توسعه متوازن و شغل‌های کافی جلوگیری کرده است (Majoli, 2011, p.3). اصلاحات اقتصادی که در تونس انجام شد به واگذاری امتیازها به خانواده و وابستگان رئیس‌جمهور منجر شد و موجبات کنترل رژیم بر بخش خصوصی را فراهم کرد. طبق گزارش شفافیت بین‌الملل، تونس در سال ۲۰۱۰، از نظر سطح فساد در بین ۱۸۰ کشور رتبه ۵۹ را داشت (Kallander, 2011, p.27). به‌واسطه کنترل دولت و همچنین وابستگان بن‌علی بر اقتصاد، رقابت اقتصادی نیز چنانچه باید وجود نداشته است. نبود رقابت اقتصادی و فضای باز موجب ناکارآمدی اقتصادی شده است. به لحاظ آزادی اقتصادی، ضمیمه آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج^۱ در سال ۲۰۱۱ تونس را در میان ۱۷۹ کشور در رتبه ۱۰۰ قرار دارد که نسبت به سال ۲۰۱۰ دو رتبه تنزل داشته است. به عبارتی تونس در زمره کشورهای تقریباً غیرآزاد قرار داشت. البته همراه با رشد اقتصادی و نوسانات آن شکاف طبقاتی و نابرابری اقتصادی و اجتماعی افزایش پیدا کرد. برای نمونه مناطق داخلی تونس تنها حدود ۳۵ درصد از سرمایه‌گذاری‌های عمومی را به خود اختصاص داده که این امر به نابرابری‌ها دامن زده بود (Brisson & Krontiris, 2012, p.26). لذا در دولتی که بلوک‌های مافیایی قدرت اقتصاد را کنترل می‌کنند شکاف طبقاتی و نابرابری در همه زمینه‌ها و سطوح امری طبیعی است. همین شکاف‌ها و فاصله‌ها میان

دولت و جامعه در نهایت سبب شد که جامعه علم عدالت خواهی و آزادی را علیه حاکمان خود بردوش گیرد.

۲-۲-۵- حقوق اجتماعی و فرهنگی در دوره بن علی

حق داشتن حداقل رفاه، کار، مسکن، تغذیه، بهداشت و آموزش و ... از مهم ترین حقوق اجتماعی و فرهنگی مورد تأکید میثاق و منشورهای حقوقی جهانی می باشند که در تونس در آستانه انقلاب ۲۰۱۱ بسیاری از آنها مورد تحدید و تهدید بودند. در این شرایط، فقر مردم تونس یکی از چالش های مهمی است که در جامعه تونس وجود داشته و به همراه بیکاری یکی از مهم ترین دلایل سقوط حکومت بن علی در این کشور بوده است. در واقع سریال سقوط دیکتاتورهای عرب با خودسوزی محمد بو عزیز، جوان تحصیل کرده اما فقیر و سبزی فروش تونسی آغاز شد که ۱۲/۸ درصد از هم میهنانش زیر ۲ دلار در روز درآمد دارند (Honwana, 2011, p.5).

در واقع به دلیل بیکاری و میزان بالای فقر از سال ۲۰۰۸ تونس با گسترش اعتراض در فقیرترین مناطق مواجه بوده است (Paciello, 2011, p.5). اگرچه سرانه تولید ناخالص داخلی مردم تونس نیز در ۵ سال آخر حکومت بن علی افزایش داشته اما رتبه آن در جهان ۱۱۳ بوده است. میزان پائین درآمد سرانه و رتبه نازل جهانی در سرانه تولید ناخالص داخلی نیز نشانگر فقر زیاد و مشکلات اقتصادی مردم تونس اعم از «کار»، «مسکن» و حتی «معیشت» در زمان بن علی است. شواهد حاکی از آن است که فشار روی هزینه های خانوار تونسی به جایی رسیده بود که سهم خوراک در سبد خانوار حدود ۳۵٫۸ درصد هزینه ها را به خود اختصاص می داد (USDA, 2007). تضعیف سریع نظام خوداتکای اقتصاد روستایی و کشاورزی و نیز ضعف و ناتوان شدن سیستم های محلی تأمین منابع غذایی در نتیجه افزایش وابستگی به واردات مواد غذایی هم بدان وضع و نارضایتی ها دامن زده بود (Lagi et al., 2011).

شرایط اقتصادی در تونس سبب شد که دولت نتواند از پس تأمین «حق کار» و «شغل» برای جامعه برآید. طبق گزارش برنامه توسعه انسانی ملل متحد در سال ۲۰۰۹، در سال ۲۰۰۶-۲۰۰۵، نرخ بیکاری در تونس ۲۷ درصد بود که از این تعداد حدود ۶۵ درصد را جوانان تشکیل می دادند. طبق این گزارش، متوسط نرخ بیکاری از ۱۳/۶ درصد در دهه ۱۹۸۰، به ۱۵/۵ درصد در دهه ۱۹۹۰ و سپس به ۲۷ درصد در سال ۲۰۰۶-۲۰۰۵ افزایش یافت (UNDP, 2009, p.109). میزان بیکاری میان جوانان ۲۰ تا ۲۴ ساله از ۲۵/۴ درصد در سال ۱۹۹۴ به ۳۰ درصد در سال ۲۰۰۷ و در میان جوانان ۲۵ تا ۲۹ ساله از ۱۷/۴ درصد به ۲۳/۹ درصد افزایش یافت. بیکاری جوانان با تحصیلات عالی از سال ۲۰۰۶ رشد فزاینده ای گرفته است به طوری که حدود ۳۰ درصد از جمعیت در سن کار بین ۱۵ تا ۲۴ سال بیکار بودند. ناگفته نماند که بحران مالی جهانی

موجب شد تا ایجاد شغل در تونس از ۸۰ هزار در سال ۲۰۰۷ به ۵۷ هزار شغل در سال ۲۰۰۹ کاهش یابد (Paciello, 2011, p.4). در سال ۲۰۱۰ تقریباً یک چهارم جوانان فارغ‌التحصیل تونسی شغل نداشتند. در این شرایط ۸۵ درصد بیکاران تونسی را جوانان زیر ۳۵ سال تشکیل می‌دادند (Achy, 2011, p.8). بیکاری در تونس در سال ۲۰۱۰ با ۵ درصد افزایش به ۱۴ درصد رسید و بیکاری جوانان هم به ۳۰ درصد رسیده است. میانگین زمان برای پیدا کردن شغل در میان جوانان فارغ‌التحصیل تونسی دو سال و چهار ماه برآورد شده، درحالی که این زمان برای غیر دانشگاهیان کمتر از ۹ ماه بوده است (Achy, 2011, p.10).

البته دولت در تحقق حقوق فرهنگی نسبت به حقوق اقتصادی و اجتماعی عملکرد بهتری داشت. از دهه ۱۹۶۰ در حوزه آموزش ابتدایی توسعه خوبی صورت گرفت. از سال ۱۹۹۶ برای آموزش بزرگسالان نیز برنامه‌ای را تدارک دیده بود. این برنامه که «برنامه ملی سوادآموزی بزرگسالان» نام داشت، با آموزش ۳۷۱ هزار نفر بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۷، بی‌سوادی در تونس را از ۳۱/۷ به ۲۰/۶ درصد رساند. موقعیت و پایگاه اجتماعی کسانی که طبق این برنامه آموزش دیده‌اند نیز جالب است. از میزان فوق (۳۷۱ هزار)، ۳۳ درصد جوانان زیر ۳۰ سال، ۳۸ درصد بزرگسالان بین ۳۰ تا ۴۹ سال، ۷۹ درصد زنان، ۵۸/۱ درصد از مناطق حاشیه‌ای و ۱ درصد جوانان معلول بوده‌اند. هدف «برنامه ملی سوادآموزی بزرگسالان» این بوده که تا سال ۲۰۱۰ نرخ بی‌سوادی در میان جمعیت فعال تونس را به زیر ۱۰ درصد برساند (Republic of Tunisia Ministry of Education and Training, 2007).

از لحاظ تحصیلات دانشگاهی نیز این کشور رشد خوبی را تجربه کرد. در سال ۱۹۷۵-۱۹۷۴، تعداد دانشجویان تونسی ۱۳۷۰۰ نفر بوده است (Allman, 1979, pp.67-68). این میزان در سال‌های بعد به سرعت رشد پیدا کرد، به طوری که در سال دانشگاهی ۲۰۱۲-۲۰۱۳ تعداد دانشجویان دانشگاه‌ها و مؤسسات آکادمیک تونس ۳۳۷۳۹۳ نفر بوده است؛ که از این تعداد، ۳۱۵۵۱۳ نفر در بخش عمومی و ۲۱۸۸۰ نفر در بخش خصوصی مشغول تحصیل بوده‌اند (MESRST, 2014). البته رسالت دولت در این زمینه، بیشتر از این رشد محدود و معین بود، به نحوی که همین دولت از پس تحقق کلیت حقوق معنوی و مادی این اقشار ناتوان و درمانده بود. با این وجود، همین رشد بود که به لحاظ ایجابی جامعه را از حقوق خود و وظیفه دولت آگاه ساخته بود.

۶- گفتمان اجرایی حقوق بشر در تونس

در خصوص رابطه و نقش نهادهای بین‌المللی اجرایی در انقلاب تونس باید به این نکته توجه کرد که فاصله میان آغاز اعتراض‌ها و پیروزی انقلاب در این کشور بسیار کوتاه بود این وضع فرصت و مجال نقش‌آفرینی نهادها و سازمان‌های بین‌المللی را سلب کرده بود. البته در رابطه با عملکرد سامانه‌های اجرایی در قبال دولت بن‌علی می‌توان به پرونده حقوق بشر این دولت مراجعه کرد. آغاز به کار جدی و حرفه‌ای سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی اجرایی حقوق بشر در کشور تونس به دهه ۱۹۹۰ میلادی و اوایل قرن ۲۱ برمی‌گردد. در این دوران به دلیل تعدی دولت بن‌علی به حقوق فردی و سیاسی مردم موردانتقاد گسترده سازمان‌های مختلف بین‌المللی قرار گرفت. در تأیید این ادعا می‌توان به تأسیس تعدادی سازمان در دفاع از حقوق بشر از جمله «شورای ملی برای آزادی‌ها»، «کمیسیون پشتیبانی و حمایت از مقاومت مدنی و سیاسی در تونس»، «کمیسیون حمایت از آزادی‌ها و حقوق بشر در تونس» و «جمعیت تونس آزاد» اشاره کرد. البته لازم به یادآوری است که قدرت‌های بزرگ که در تشکیل و اجرای برخی نهادها در حمایت از حقوق بشر نقش زیادی دارند در برخورد با نقض‌کنندگان حقوق بشر عمدتاً رفتارهای دوگانه دارند. چنان‌که موضع‌گیری قدرت‌های بزرگ در قبال با انقلاب که بسیار سریع روی داد با نوعی بلا تکلیفی همراه بوده است. هیلاری کلینتون درباره سردرگمی هیئت حاکمه آمریکا در این زمان ابراز داشت که «مسئله اصلی ما این بود که چگونه باید توازنی بین منافع استراتژیک و ارزش‌های اصیلمان برقرار می‌کردیم؟» (Clinton, 2013, pp.339-355). گفتاری که به‌صراحت می‌تواند علت برخورد دوگانه و تناقض‌آمیز قدرت‌های بزرگ و نهادهای حقوق بشری تحت امر آنها را توضیح دهد. با همه این تفاسیر دولت واشنگتن از دو هفته پیش از انقلاب مردم تونس، انتقادات خود علیه نظام بن‌علی را گسترش داد و با سقوط وی، از انتخاب مردم تونس استقبال کرد (Ramadan, 2011). یک هفته پس از انقلاب هم معاون وزیر خارجه آمریکا، ضمن دیداری از تونس و ملاقات با رهبران انقلاب این کشور اعلام کرد که ایالات متحده برای کمک به تونس در برگزاری انتخاباتی آزاد، شفاف و فراگیر که پایه حکومت و نظامی نوین در تونس باشد آماده است (Alhiah, 2011). در حال، گرچه وقوع زود هنگام انقلاب تونس مجال واکنش نهادهای بین‌المللی و قدرت‌های جهانی در حمایت از حقوق بشر را کم‌وبیش سلب نمود؛ اما به‌طور کلی می‌توان ارزیابی روشنی از پرونده نهادهایی اجرایی حقوق بشر در تونس ارائه کرد.

نتیجه‌گیری

جهانی‌شدن در همه ابعاد خود، جامعه تونس را درگیر گفتمان حقوق بشر ساخته بود، به‌نحوی که این جامعه به درکی از حقوق خود و مسئولیت‌های دولت آگاه شد. دولتی که به‌طور گریزناپذیری در تسریع این

گفتمان نقش بازی کرد و با غفلت یا جهالت خود همچنان مانند گذشته حقوق هنجاری جامعه در قالب مطالبات سیاسی - مدنی اعم آزادی بیان، مشارکت سیاسی، آزادی عقیده و مذهب را نقض می‌کرد و به واسطه ضعف و بحران اقتصادی چون گسترش شکاف طبقاتی، تورم، بیکاری، فساد اداری و فرهنگی از عهده تحقق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه در چارچوب میثاق بین‌المللی برنیامد و در این میان نتوانست حقوق حداقلی زندگی و معیشت برای همه آحاد جامعه، کسب و کار و داشتن شغل، مسکن و تشکیل خانواده، بهداشت و سلامت، زیرساخت‌های فرهنگی و آموزشی را تأمین کند. همه این تحولات جامعه که از یک سو ناشی از ضعف عملکرد دولت بود و از سوی دیگر ریشه در گسترش فرایندهای جهانی در حوزه‌های مختلف داشت رابطه پیشینی دولت و جامعه را تغییر داد. دولت که همچنان در این تصور غلط سیر می‌کرد با مقابله و عدم‌پذیرش تغییر و اصلاح جامعه طی طریق می‌نمود و در مقابل جامعه‌ای که با شعارهای چون آزادی، برابری، عدالت و کرامت، خواهان تغییر و کناره‌گیری بن‌علی بودند، قرار گرفت. دولتی که از درک وضعیت جامعه عاجز مانده بود و با ابزار سنتی سرکوب و ایجاد خفقان خواسته و مطالبات جامعه را زیرزمینی کرده بود، همچنان به سیاق سابق خویش از ابزار سرکوب و ایجاد خفقان استفاده کرد ابزاری که در مدت کوتاهی با حضور و مقاومت حداکثری جامعه، جدا شدن ارتش از پیکره حاکمیت، دخالت نهادها و مجامع بین‌المللی، بازنمایی رسانه‌های جهانی بی‌اثر شد تا ساختار ساده و مریض دولت بن‌علی به آسانی دچار فروپاشی شود.

References

- Achy Lahcen, (2011). Tunisia's Economic challenges, *Carnegie Middle East Center*, http://carnegieendowment.org/files/tunisia_economy.pdf.
- Alhiah, (2011). *Tunisia, mass demonstrations against the government and an international arrest warrant against Ali*, January 27, 2011. (in Persian)
- Allman, J. (1979), *Social Mobility, Education and Development in Tunisia*, Brill Academic Publishers, Netherlands.
- Anonymous (2011). Poverty and unemployment cause to escape of the dictator of Tunisia, *the monthly magazine of the international market*, Issue XI, Persian date Farvardin 2011. (in Persian)
- Arfaoui, J. (2009). Ben Ali enters Tunisian presidential race, from http://ec.europa.eu/economy_finance/publications/occasional_paper/2010/op6_0_en.htm.
- Abbasi, B. (2012). *Human Rights and the Fundamental Freedoms*, Tehran, Dadgostar Publications. (in Persian)
- Ashoori, D. (2003). *an Encyclopedia of Politics: a Dictionary of Political Terms and Schools*, Morvarid Publications, 8th Edition. (in Persian)

- Baqchari, K. (2012). The Islamic Awakening (Causes and Origins), *Abrar Moaser Tehran International Studies & Research Institute*. (in Persian)
- Boshra, F. (2011). Zine El Abidine Ben Ali Ended up Like the Shah of Iran, <http://afiran.ir/modules/news/article.php?storyid=32292>. (in Persian)
- Bajzikova, k, 2012, *Civil Society Needs Assessment in Tunisia*, Final Report, PDCS.
- Bellemare, M. (2011). Rising Food Prices, Food Price Volatility, and Political Unrest. Published online <http://marcfbellemare.com/wordpress/wp-content/uploads/2011/08/BellemareFoodPricesAugust2011.pdf>.
- Ben Hammouda, H. (forthcoming, 2012). *Tunisie: L'économie Politiqued'une Revolution Bruxelles*, De Boeck Publications.
- Ben Hammouda, H. (2011). *Les anti-héros de la révolutionarabe. Vers la fin de l'avantgarde des grandsrécits de la modernité?* April (Unpublished).
- Ben Salem, L. (2010). Tunisia, Freedom House 2010, https://freedomhouse.org/sites/default/files/inline_images/Tunisia.pdf
- Brisson, Z., & Krontiris, K. (2012). *Tunisia from Revolutions to Institutions*, the World Bank, 1818 H Street NW, Washington, DC, USA.
- Clinton, H. (2013). *Hard choices*, London: Simon & Schuster.
- Fishkin, J. (2015). *Tunisia: the Role of Secularism. in: Tunisia: Understanding Conflict 2012 Conflict Management Program*. Johns Hopkins University, School for Advanced International Studies.
- Evans, T. (2002). *Democratization & Human Rights*, Translated by Hossein Sharifi Tarazkoochi, Rahbord, 23rd Issue. (in Persian)
- Fallahi, F., & Poorhassan, Sh. (2013). The Place of Human Dignity in the Islamic Human Rights, *the Islamic Human Rights Studies Quarterly*. (in Persian)
- Gol-Mohamedi, A. (2014). *Globalization, Culture and Identity, Tehran*, Ney Publications, 7th Edition. (in Persian)
- Guerrero, B. J. E. (2010). a *Dissection of the Globalized Middle East: Assessing Globalization's Impact*. Published online <http://www.atlanticcommunity.org/app/webroot/files/articlepdf/Adissectionoftheglobalizedmiddleeast.pdf>
- Hatami, A. (2014). A comparative study of influence of the type civil society on the type of transition in the revolutions in Tunisia, Egypt and Libya, *Journal of the Islamic Revolution*, the eleventh year, No. 38 (in Persian)
- Hamedi, M. (2012). Decisive Revolution Is Continuing, *Zamaneh Monthly*, 9th Issue, <http://www.zamane.ir/fa/category/9>. (in Persian)
- Hibou, B. (2004). Fiscal Trajectories in Morocco and Tunisia in S. Heydemann (ed.), Networks of Privilege in the Middle East. *The Politics of Economic Reform Revisited*, New York.
- HonwanaAlcinda, (2011). Youth and the Tunisian Revolution, from http://webarchive.ssrc.org/pdfs/Alcinda_Honwana,_Youth_and_the_Tunisian_Revolution,_September_2011-CPPF_policy%20paper.pdf.

- Jahangir, K. (2013). The impact of Islamic Revolution of Iran on Islamic awakening in North Africa (2012-2010), Case Study Tunisia, *Journal of Politics*, Vol. 43, Issue 1 (in Persian)
- Jantal, T. (2000). *Structural and normative developments in international human rights law, strategy*, eighteenth issue. (in Persian)
- Kallander A. A. (2011). Tunisia's post Ben Ali challenge: a primer, MERIP, from <http://www.www.merip.org/mero/mero012611.html>.
- Katoozian, N. (2007). Justice and Human Rights, *Journal of Law and Political Science*, 37(3). (in Persian)
- Kausch, K. (2009). Tunisia: the life of others: Project on Freedom of Association in the Middle east and North Africa, <http://www.fride.org/publication/631/tunisia-the-life-of-others>.
- Kazemi M. (2004). Human Rights and the governments in the era of globalization, *strategy journal*, 38, Tehran, March. (in Persian)
- Krasner, p. (1998). State Power and the structure of International Trade, *World Politics*.
- Lagi, M.; Bertrand, K. Z., & Yaneer, B. Y. (2011). *The Food Crises and Political Instability in North Africa and the Middle East*. Cambridge, MA: New England Complex Systems Institute.
- Layachi A. (2000). Reform and the politics of inclusion in the Maghrib, *the Journal of North African Studies*, 3(5).
- Locienz Z. R. (2009). *Generations of Human Rights, on key concepts of international human rights law*, compiled by Zakerian Mahdi, Mizan legal foundation. (in Persian)
- Majoli A. (2011). Tunisia's Bin Ali and his family ran a mafia state: until an uprising drove them out, from <http://www.thedailybeast.com/newsweek/2011/01/23/a-dictator-dispatched.html>.
- McMichael, P. (2012). *Development and Social Change: a Global Perspective*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- MESRST (Ministère de l'Enseignementsupérieure et de la Recherche), Basic Statistics, http://www.mesrst.tn/anglais/donnees_de_base/p_etud.htm.
- Meddah, M. (2009). *Tunisia: Number of Internet Users Reaches 2.8 million*. January. Available at [http://www.startuparabia.com/2009/01/tunisia-number-of-internet-users-reaches-28-million/\(accessed June 29, 2011\)](http://www.startuparabia.com/2009/01/tunisia-number-of-internet-users-reaches-28-million/(accessed%20June%2029,%202011)).
- Mihailovich, D., & Sommer, N. (2011). How a slap sparked Tunisia's revolution. CBS News. Retrieved from <http://www.cbsnews.com/stories/60/20/02/2011minutes/main20033404.shtml>.
- Mousavi, M. (2010). Human Dignity in the Western Political Philosophy: <http://www.ensani.ir/fa/content/67073/default.aspx>. (in Persian)
- Murphy, E. (2004). *Aconomic reforms and government in Tunisia*, Article in the book of *The Political Economy of Transition in the Middle East*, edited

- Hakimian and Moshaver, translated by Abbas Hatami, Tehran: Kavir (in Persian)
- Naghibi Monfared, H. (2010). *Good governance in the light of globalization, of human rights, knowledge city*. (in Persian)
- Nath, J. (2013). *Islamism and Laïcité in the Tunisian Constitution*. in: *Tunisia: Understanding Conflict 2012 Conflict Management Program*. Johns Hopkins University, School for Advanced International Studies.
- Nematzadeh, M. (2013). *Justice, Dignity, Esteem and Human Needs, 12th Conference of Global Social Forum in the University of Tunisia*, <http://qodsna.com/newspage.aspx?newid=34070>. (in Persian)
- Paciello M. C. (2011). Tunisia: Changes and Challenges of Political Transition, *MEDPRO Technical Papers*, No. 3.
- Ramadan, T. (2011). Tunisia and Africa: the New Realignment, at: <http://www.tariqramadan.com/Tunisia-and-Africa-The-New.html> (28 janvier 2011).
- Reza Khah, A. (2012). The importance of social networks the developments of Middle East, Khorasan newspaper, Wednesday, 10.06.2012 Release No. 18302 from <http://www.khorasannews.com>. (in Persian)
- Republic of Tunisia Ministry of Education and Training, Data on the first cycle of elementary education, Retrieved 15 June 2015, http://www.ins.nat.tn/en/serie_annuelle_theme.php?code_theme=0601
- Rogers, W. (2011). *Tunisia's Economic Problems Still Festering*. Left Labour Report, 20 April 2011. Available at: <http://leftlaborreporter.wordpress.com/2011/04/20/tunisia-economic-problems-still-festering/> (accessed June 24, 2011).
- Mac Krokordal, R., & Ferbrother, R. (2002). Globalization and human rights, translated by Safar Ali Mahmoudi, *Journal of Political and Economic Information*, No. 175-176. (in Persian)
- SadikiLarbi (2002). the Search for Citizenship in Bin Ali's Tunisia: Democracy versus Unity, *Political Studies*, (50). <http://socialsciences.exeter.ac.uk/politics/research/readingroom/SadikiTunisia.pdf>.
- Seyyed Fatemi, M. Q. (2011). Human Rights in the Contemporary World, Tehran, *the Juridical Studies and Research Institute*, 2nd Volume, 3rd Edition. (in Persian)
- Salehi-Isfahani, D. (2010). Human Development in the Middle East and North Africa, *Human Development Research Paper*, 2010/26. New York: UNDP.
- Sazmand, B. (2005). Culture and human rights in the light of globalization, *Strategy*, No.36, summer. (in Persian)
- Scholte, J. A. (2003). *Close look at the phenomenon of globalization, translated by Massoud Karbassian*, scientific and cultural publications. (in Persian)

- Schwab, K. (2011). The global competitiveness report 2011-2012. World Economic Forum. Retrieved from <http://reports.weforum.org/global-competitiveness-2011-2012>.
- Sharifi Tarazkahi, H. (2011). Human rights (values and facts), Tehran, Mizan publication. (in Persian)
- Sharifi Tarazkahi, H. (2009). Political and cultural trends in the globalization of human rights, Journal of the rights, *the Faculty of Political Science*, Volume 39, Issue 4. (in Persian)
- Sinai, V., & Ebrahim Abadi, G., (2004). Globalization, cultural pluralism, *Journal of Parliament, Strategy*, No. 43. (in Persian)
- Smith, S., & Billis, J. (2004). *Globalization and foreign policy*, Tehran, Foreign Ministry. (in Persian)
- Taheri, A. (2002). Information and communication technology, globalization and its political consequences, *research on law and politics*, No. 8 (in Persian)
- Talebi, M. (2012). Action and political participation in Tunisia, *International Centre for Peace Studies*, Tehran. (in Persian)
- Toffler, A. (1992). *The Third Wave*, translated by Shahin dokht Khwarizmi, Novin publication, Tehran. (in Persian)
- UNDP, Arab Human Development Report: Challenges to Human Security in the Arab Countries, New York: Regional Bureau for Arab States, 2009
- USDA (United Sates Department of Agriculture) (2007) Food CPI and Expenditures. Published online <http://www.ers.usda.gov/briefing/CPIFoodAndExpenditures/Data/2007table97.htm>.
- World Bank (2000). World Development Report 1999/2000–Entering the 21st Century: the Changing Development Landscape. Oxford: Oxford University Press.
- World Bank (2011). Food Price Watch. Published online http://siteresources.worldbank.org/INTPOVERTY/Resources/335642-1210859591030/FPW_April2011.pdf.
- World Bank, (2010). Global Economic Prospects 2010, <http://go.worldbank.org/OE8NEB3JP0>. World Bank. (2008) For a Better Integration into the Labor Market in Tunisia. March.
- Zacharia, F. (2011). Origins of the Egyptian Revolution, *Mehrnameh Humanities Monthly*, 1st Year, 9th Issue. (in Persian)